

روایتی کمتر شنیده شده از زنان حماسه‌ساز کربلا

عاشورا تنها روایت شمشیرها و مردان میدان نیست؛ در پس این حماسه، زنانی ایستاده‌اند که با ایمان، فداکاری و تصمیم‌های سرنوشت‌ساز خود، نقشی ماندگار در تاریخ کربلا رقم زدند.



عاشورا تنها روایت شمشیرها و مردان میدان نیست؛ در پس این حماسه، زنانی ایستاده‌اند که با ایمان، فداکاری و تصمیم‌های سرنوشت‌ساز خود، نقشی ماندگار در تاریخ کربلا رقم زدند.

خبرگزاری مهر - مجله مهر؛ رویا سادات هاشمی: عاشورا قصه‌ای است با نقش‌های ابدی، مهری بزرگ در تاریخ که وجودش سند محکم ایستادگی و آزادگی آدم‌هایی که برای خلقت بشر آبروداری کردند. وقتی نام عاشورا بر زبان جاری می‌شود شاید در نگاه اول داستان رزم و شجاعت‌ها مردانه بیشتر به چشم بیاید اما حماسه کربلا پر است از روایت‌های زنانه، روایت‌های کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر که خیلی‌ها ایمان آنها را نشنیده‌ایم. زنانی که گاهی با یک جمله، مسیر زندگی همسر یا فرزندشان را تغییر دادند. زنانی که میان عشق به خانواده و وفاداری به حقیقت، دومی را انتخاب کردند. مادرانی که داغ فرزند دیدند و همسرانی که شاهد شهادت عزیزترین آدم زندگی‌شان بودند، اما در سخت‌ترین لحظات تاریخ، از باور خود عقب‌نشستند؛ برای همین تاریخ عاشورا فقط روایت شمشیرها و میدان نبرد نیست؛ روایت دل‌هایی است که پشت خیمه‌ها می‌تپیدند و تصمیم‌هایی که شاید در سکوت گرفته شدند، اما سرنوشت یک نهضت را تغییر دادند. اگر دقت کنیم، در میان سطرهای کربلا، نام زنانی را می‌بینیم که هرچند کمتر شناخته شده‌اند، اما بدون آنها شاید بخشی از این حماسه هرگز آن‌گونه که می‌شناسیم شکل نمی‌گرفت. این گزارش، تلاشی است برای بازخوانی زندگی و نقش زنانی که در سایه مانده‌اند؛ زنانی که تاریخ کمتر از آنها گفته، اما عاشورا بدون آنها کامل نیست.

بحریه؛ مادری که پس از همسر، فرزندش را نیز راهی میدان کرد

در میان روایت‌های عاشورا، نام برخی زنان کمتر شنیده شده، اما نقش آنان در شکل‌گیری حماسه کربلا کمتر از رزمندگان میدان نبوده است. بحریه بنت مسعود خزرجی، مادر عمرو بن جناده، یکی از همین زنان است؛ مادری که در یک روز هم داغ همسر را دید و هم پیکر خونین فرزند نوجوانش را. عمرو بن جناده از کم‌سن‌وسال‌ترین شهدای کربلا به شمار می‌رود و حتی عده‌ای در روایت‌ها او را صاحب رجز معروف «امیری حسین و نعم الامیر» می‌دانند. می‌گویند او پس از شهادت پدرش برای حضور در میدان از امام حسین علیه السلام اجازه خواست. امام در ابتدا با تردید به او نگاه کردند و فرمودند که پدر این نوجوان به شهادت رسیده و شاید مادرش به رفتن او رضایت نداشته باشد. اما پاسخ عمرو، از عزم خانواده‌ای حکایت داشت که از پیش انتخاب خود را کرده بودند. او گفت که مادرش نه تنها راضی است، بلکه خودش لباس رزم را بر تنش پوشانده و او را برای دفاع از امام علیه السلام راهی میدان کرده است.

این نوجوان شجاع سرانجام با اجازه امام به میدان رفت، رجز خواند و پس از نبردی دلیرانه به شهادت رسید. می‌گویند بحریه وقتی سرفرزندش را در آغوش گرفت خودش با برداشتن چوب خیمه قصد حمله به سپاه دشمن را داشت، اما امام او را از ادامه این کار بازداشتند و به خیمه‌ها بازگرداندند.

اولین زن شهید کربلا که به میانه میدان رفت

هانیه یکی از زنان برجسته واقعه عاشورا است. او تازه عروس و همسر وهب بن عبدالله کلبی بود یک مسیحی تازه مسلمان شده که در کربلا به یاری امامش آمده و فقط ۱۷ روز از ازدواجش گذشته بود. اما روایت قهرمانانه حضور هانیه از جایی شروع می‌شود که بعد از حضور همسرش در میدان نبرد به او گفت: «تو را رها نمی‌کنم تا آنکه در کنار تو و همراه تو بمیرم» اما درست در زمانی که وهب در محاصره اشقیاء گیر افتاد هانیه عمودی از خیمه برداشت و به کمک وهب رفت اما وقتی او به بالین خونین همسرش رسید پیشانی او را بوسید و با تحسین از تازه دامادش او را این‌گونه خطاب کرد: «پدر و مادرم فدای تو که از ذریه پیامبر دفاع کردی. بهشت گوارای وجودت، از خدا بخواه مرا هم با تو همراه کند» عمرین سعد که از دیدن حرف‌های هانیه به هراس افتاده و به تنگ آمده بود دستور به شهادت رساندن هانیه را هم داد. در روایات آمده که وقتی عمود آهنین بر سر هانیه ۱۸ ساله خورد او دقیقاً کنار پیکر همسرش به شهادت رسید.

مادری که هرگز هدیه خود را بازپس نگرفت

اما ماجرای وهب نصرانی فقط به شجاعت تازه عروسش ختم نمی شود، بسیاری شاید روایت حماسه عجیب و غریبی که مادر او رقم زده را در روضه ها شنیده اند. می گویند وقتی پس از آغاز نبرد، وهب برای دفاع از امام حسین علیه السلام راهی میدان شد و پس از نبرد به شهادت رسید. دشمن سر بریده او را از پیکرش جدا کرد و به سوی خیمه ها پرتاب کرد؛ اقدامی که فرار بود روحیه خاندان و یاران امام را در هم بشکند. اما واکنش مادر وهب نتیجه ای کاملاً متفاوت رقم زد. او سر فرزندش را برداشت، نگاهی به چهره خونین جوان خود انداخت و جمله ای گفت که قرن ها بعد همچنان در کتاب های مقتل و تاریخ تکرار می شود: «ما چیزی را که در راه خدا داده ایم، بازپس نمی گیریم.» سپس سر فرزند را به سوی سپاه دشمن بازگرداند.

ذُلم؛ زنی که همسرش را به کاروان عاشورا رساند

در تاریخ عاشورا، نام ذُلم بیش از هر چیز با یک تصمیم سرنوشت ساز گره خورده است؛ تصمیمی که نه در میدان نبرد، بلکه در سکوت یک خیمه گرفته شد و مسیر زندگی زهیر بن قین را برای همیشه تغییر داد. در منزلگاه زرود، هنگامی که فرستاده امام حسین علیه السلام برای دعوت زهیر به خیمه آن حضرت آمد، او تمایلی به این دیدار نداشت. در آن لحظه، این ذُلم بود که سکوت را شکست و به همسرش گفت: «فرزند رسول خدا تو را فراخوانده و تو در پاسخ به او درنگ می کنی؟» همین جمله کوتاه، زهیر را راهی دیداری کرد که سرنوشتش را دگرگون ساخت.

زهیر پس از بازگشت از خیمه امام دیگر همان مرد سابق نبود. او تصمیم گرفت در کنار امام حسین علیه السلام بماند و تا آخرین لحظه از ایشان دفاع کند. اما پیش از آن، رو به همسرش کرد و از او خواست به خاندان خود بازگردد. در برخی نقل ها آمده است که حتی او را طلاق داد تا پس از شهادتش گرفتار آسیب ها و سختی های پیش رو نشود.

ام خلف؛ مادری که آخرین یادگارش را نیز تقدیم کرد

در میان زنان حاضر در نهضت عاشورا، نام ام خلف کمتر از دیگر چهره های کربلا شنیده شده است؛ زنی که در یک روز هم داغ همسر را به چشم دید و هم تنها فرزندش را در راه دفاع از امام حسین علیه السلام بدرقه کرد. روایت زندگی او، روایت مادری است که میان علاقه به فرزند و وفاداری به آرمانش، راهی دشوار اما ماندگار را برگزید. ام خلف همسر مسلم بن عوسجه، از نخستین یاران امام حسین علیه السلام بود. مسلم در روز عاشورا پس از نبردی جانانه به شهادت رسید و خانواده اش را در میان خیمه های حسینی تنها گذاشت. پس از شهادت پدر، فرزند نوجوان او، خلف، از امام اجازه میدان خواست. امام در ابتدا با درخواست او موافقت نکردند؛ چرا که می دانستند این نوجوان، تنها یادگار مسلم برای مادرش است و شاید ام خلف با از دست دادن آخرین عزیز زندگی اش رضایت نداشته باشد. اما پاسخ ام خلف، جلوه دیگری از ایمان و استقامت زنان عاشورا را به نمایش گذاشت. او نه تنها مانع حضور فرزندش نشد، بلکه او را به دفاع از امام تشویق کرد و رضایت خود را برای حضورش در میدان اعلام کرد. پس از آن، خلف به میدان رفت و در راه دفاع از سیدالشهدا علیه السلام به شهادت رسید.